

در روزهای آخر اسفند،

کوچ بنفشه‌های مهاجر،

زیباست.

در نیم روز روشن اسفند،

وقتی بنفشه‌ها را از سایه‌های سرد،

در اطلس شمیم بهاران،

با خاک و ریشه

- میهن سیارشان -

در جعبه‌های کوچک چوبی،

در گوشه‌ی خیابان، می‌آورند:

جوی هزار زمزمه در من،

می جوشد:

ای کاش...

ای کاش آدمی وطنش را

مثل بنفشه‌ها

(در جعبه‌های خاک)

یک روز می‌توانست،

همراه خویشتن ببرد هر کجا که خواست،

در روشنای باران،

در آفتاب پاک.

حافظ:

به خوانندگان توصیه می‌کنیم که مقاله‌ی همکارمان دکتر نعمت احمدی را در شماره‌ی ۲۴ ماهنامه‌ی حافظ با عنوان «شفیعی کدکنی از گون تا کوچ بنفشه‌ها» بخوانند.

ماه‌های ایران باستان

به روایت مسعودی

در این شماره به مناسبت پایان سال و فرا رسیدن سال نو، بی‌مناسبت نیست که آن‌چه را مسعودی در **مروج الذهب** (ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده) درباره‌ی ماه‌های ایرانی ذکر کرده است، عیناً نقل کنیم.

«همه‌ی ماه‌های ایرانی، سی روز است. ماه اول فروردین ماه است و روز اول آن نوروز است و از نوروز تا مهرگان یکصد و هفتاد و چهار روز است. ماه دوم اردیبهشت است و خرداد ماه و تیرماه که نیم‌روز عید مهرگان در آن است و مرداد ماه و شهریورماه و مهرماه که روز شانزدهم آن مهرگان است و آبان‌ماه که آبان روز و عید آبان‌گاه در آن است و پنج روز آخر آن فرودگان است و آذرماه که روز اول آن در عراق و ایران کوسه بر استر خود سوار شود و این جز در عراق و دیار عجم رسم نیست و اهل شام، جزیره، مصر و یمن آن‌را ندانند و تا چند روز جوز، سیر، گوشت چاق و دیگر غذاهای گرم و نوشیدن‌های گرم‌مازا و ضد سرما به او بخوراند و بنوشانند و چنان وانمود کند که سرما را بیرون می‌کند و آب سرد بر او ریزند و احساس رنج نکنند و به فارسی بانگ زند، گرما! گرما! و این هنگام عید عجمان است که در اثنای آن طرب کنند و شاد باشند و در بسیاری دیگر از اوقات سال چون دوران آذرخش شادی کنند، پس از آن دی‌ماه و بهمن‌ماه و اسفندارمز ماه است و این مجموع سیصد و شصت و پنج روز است.»

این هم گزارش مسعودی در همان کتاب درباره‌ی روزهای ایرانی:

«و این روزها هرگز و بهمان و اردیبهشت، شهریور، اسفندارمز، خرداد، مرداد و دیبازر، آذر، آبان، خورو ماه و تیر و جوش و دبر و مهر و دمل و اسروش و فروردین و بهرام ورام است که شاعر درباره‌ی آن گوید: «روز شنبه و روز رام لذت باده را به‌ما بچشان. من تعهد می‌کنم که هنگام نیم‌روز آن مرا به سخن سست بینی» و باد و دیبازین و آذر و اشتاد و آسمان و داماد و ماروسفند و انیران.

روزهای معروف فرودگان نیز آهند گاه و اسمی‌ها و مشرکاه و مشرکاه و کاساه است و عرب این پنج روز را هریر، هبیر، قالب‌الفهر، حافل‌الضرع مد حرج‌البعر می‌نامیدند.

ایرانیان در هر صد و بیست سال یک ماه کبیسه می‌کردند و این‌که کبیسه را یکصد و بیست سال عقب می‌انداختند، از آن جهت بود که روزهایشان سعد و نحس بود و نخواستند هر چهار سال یک روز کبیسه کنند و با این ترتیب روزهای سعد به‌روزهای نحس منتقل شود و نوروز اولین روز ماه نباشد.»